

استشهاد نامه مرحوم میرزا محمد تقی قاضی

در باب موقوفات نصریه

حسن قاضی طباطبائی

پس از تجزیه امپراطوری امیر تیمور و شروع ملوک الطوائفی در ممالک مفتوح وی ، قوی ترین دولتی که در قسمت مغرب و شمالغربی ایران به وجود آمد و مدت ۴۲ سال تمام دوام کرد ، حکومت آق قویونلوها یا بایندیّه بود که بعد از برانداختن رقبای خود قره قویونلوها و تصرف آذربایجان و دیاربکر و عراقین و قفقاز ، دولت بالنسبه مقتدری تشکیل دادند و بالاخره در سال ۹۰۷ بدست شاه اسمعیل صفوی متخلص به (خطائی) منقرض گشتند و بدین ترتیب دوره اقتدار و تسلط آنان خاتمه یافت .

بدون تردید معتبرترین و مشهورترین فرد این سلسله ، امیر کبیر ابوالنصر حسن بیگ است که علاوه بر تدبیر و سیاست مملکتداری و وضع قوانین مفید در امر وصول مالیات و یک رشته فتوحات درخشان ، خود طرفدار فضل و معرفت و دوستدار علما و مشایخ و قضات و سادات بوده و پیوسته در مجالس وی مسائل علمیه و فقه و حدیث مطرح میکردید و با ساختن مدارس و مساجد و رباطات ، موجبات احترام و مقدمات آسودگی و جمعیت خاطر اهل علم را فراهم میآورد .

یحیی بن عبداللطیف حسینی قزوینی مؤلف « لب التواریخ » که

مورّخی قریب العصر با حسن بیگ معروف به (اوزون حسن) است در تاریخ خود شرحی بسیار سودمند در حق این امیر نوشته است که از مطالعه آن سطور تمایل شدید صاحب ترجمه را نسبت به مجالست فقها و علما میتوان استنباط کرد و اینک برای مزید اطلاع عین عبارت آن مورّخ ذیلاً نقل میشود .

«پادشاه دانا و قاهر و صاحب شوکت و رعیت پرور بود، عدل و رأفت و هیبت و صولت مالاکلام داشت ، تا غایت عمل ، او را در استیفای مال و حقوق دیوانی قانونست ، بغور قضا یا و مهمات میرسید و حکم بر نهج راستی و عدالت میکرد و شرع شریف در زمان او رواج عظیم گرفت و قضاات اسلام اعتباری تمام داشتند و با علما و فضلامی نشست و از تفسیر و حدیث و فقه در مجلس عالی او میگذشت و سادات و مشایخ را تکریم و تعظیم مینمود و همه را سیورغال^۱ میداد و مساجد و مدارس و رباطات ساخت^۲ .

حسن بیگ که با این تصریح ، از فضل و معرفت و از مبادی علوم اسلامی بی بهره نبوده است در سال ۸۸۲ پس از یازده سال و کسری سلطنت در تبریز از جهان رقت و در باغ نصریه که از آثار و مستحدثات خود او بود ، مدفون گردید^۳ .

۱- تیول وزمینی که پادشاه جهت معیشت به ارباب استحقاق بخشد (فرهنگ معین) ۲- لب التواریخ ص ۲۲۱ ۳- همان کتاب ص ۲۲۱ این مطلب که عمارت نصریه از آثار خود حسن بیگ بوده محل تأمل است زیرا که بتصریح حافظ حسین کر بلائی در روّضات الجنان (جلد ۱ ص ۹۰ چاپ جناب آقای سلطان القرائی) سلطان یعقوب است که عمارت نصریه را بنا نموده و وجهی بسیار گزاف در این راه بمصرف رسیده است و در طرح بنیاد عمارت مذکور سراج الدین قاسم مؤثر بوده و هموست که سلطان یعقوب را تشویق کرده و بالاخره وصایای حسن بیگ را بمرحله عمل رسانده است برای اطلاع کامل رجوع شود بهمان جلد از ص ۸۸ بیعد .

حافظ حسین کر بلائی نیز در اثر نفیس خود (روضات الجنان) شرحی در باب امرای آق قویونلو^۱ نوشته و تقریباً عین مطالب لبّ التواریخ را مکرر ساخته است که حاجتی به نقل آن نیست و تنها مزیتی که این کتاب دارد عبارت از اینست که در آن مأخذ سخنانی از جلال الدین محمد دوآنی دانشمند مشهور، نقل گردیده که از آنجا عنایت و توجه خاص بایندریان را نسبت به علما و تواضع آنانرا در برابر درویش حقیقی میتوان بدست آورد، خلاصه بقول دوآنی حکام این سلسله، عنوان صحیفه مکارم و سر دفتر دیوان مناقب بودند^۲ و با داشتن قدرت فراوان غیر از تعظیم شعائر دین و تشویق دانشمندان و ارباب فضل و معرفت مقصودی دیگر نداشتند. از میان علما و سادات آن عصر کسی که بیشتر از همه مورد عنایت و احترام امیر نامدار آق قویونلو بوده و او را بهمه بزرگان و ائمه وقت ترجیح میداد، بلاشبه سید عالی مقام امیر عبدالغفار طباطبائی است که به ترک و تجرد روزگار میگذرانیده و در وقت عزیمت به سفر قبله، با حسن بیگ که هنوز بمقام سلطنت نرسیده بود در بغداد ملاقات کرده و او را به سلطنت آذربایجان و عراق و فارس بشارت داده است^۳ و گویا بر اثر همین اخبار و پیشگوئی بوده است که امیر عبدالغفار سر سلسله سادات طباطبائی، در زمان همان امیر به منصب جلیل شیخ الاسلامی نائل آمده و فرزندش امیر عبدالوهاب طباطبائی جدّاعلای طباطبائیهای تبریز داماد آن امیر گردیده و بالاخره موجبات جلال و کمال از هر طرف فراهم آمده است.

۱- جلد اول ص ۵۲۴.

۲- روضات الجنان جلد ۱ ص ۵۲۵.

۳- روضات الجنان جلد ۱ ص ۲۱۵.

امیر عبدالوهاب طباطبائی که بنا بنوشته شاهد صادق^۱ در ۹۲۲ در زندان سلطان سلیم جان سپرده و وصیت نامه تاریخی و اخلاقی خود را از محبس سلطان مذکور نزد اولاد و اعقاب خود فرستاده است^۲، نظر به تقرب و جاهتی که در دربار امیر آق قویونلو داشته تولیت و ریاست و مباشرت موقوفات آن امیر که مشهور به موقوفات نصریه است با وی بوده است. متأسفانه اسامی املاک و رقبات آن موقوفه در دسترس ما نیست که بتوانیم نام و محل آنها را دقیقاً معین و مشخص سازیم اما بطوریکه در متن استشهاد نامه که ذیلاً بدرج آن مبادرت خواهد شد قیدگر دیده و صریحاً واضح میشود که آن تولیت و مباشرت در زمان پادشاهان صفوی بدون منازع و معارض با اعقاب امیر عبدالوهاب بود و آنان بر طبق مندرجات وصیت، مبلغی از عواید آنها را جهت معیشت و مخارج یومیه خود بر میداشتند و بقیه را در جاهای معین و در راه عمران و آبادی موقوفات بمصرف میرسانیدند.

وضع اداره موقوفات بهمان منوال بود که سابقاً بدان اشاره گردید تا اینکه در زمان نادر، شروط وقف نامه دیگر عملی نمیشود و بر اثر دخالت بی مورد و تصرف ناروایی که عقاب نادری در کار آن موقوفات میکنند هم امر معیشت متصدیان عمل مختل میشود و هم عرصه و رقبات آنها رو بویرانی میگذازد و بالاخره اختلال فاحش در این مسئله خطیر مشهود میگردد پس از قتل نادر، یکی از اعقاب سرشناس امیر عبدالوهاب بنام میرزا محمد تقی قاضی که از مشاهیر دوره زندیه و اوایل عصر قاجاریه

۱- مجله یادگار سال دوم شماره ۹ ص ۳۶ ۲- متن صحیح این

وصیت نامه را در روضات الجنان از ص ۲۱۷ بجمد مطالعه فرمائید.

بود و ما ذیلاً به اخبار و حوادث زندگانی آن بزرگوار با استفاده از مآخذ معتبر اشاره خواهیم کرد ، استشهادی در باب آن موقوفات و محل خرج و مصرف عواید آنها از علمای تبریز بعمل می‌آورد و بدین وسیله تولیت و مباشرت حقیقی خود را اثبات و باخذ و استرداد رقبات آنها از دست حکام و عمال دولتی اقدام می‌کند .

پیش از آنکه متن استشهاد و شهادت شهود را نقل کنیم لازم است که ابتدا میرزا محمد تقی قاضی را معرفی و سپس بدرج آن استشهاد که یکی از اسناد و وثائق تاریخی است مبادرت ورزیم :

صاحب ترجمه میرزا تقی قاضی که بنا بتصریح عبدالرزاق بیگک دنبلی در کتاب تجربه الاحرار و تسلیة الابرار از شاگردان وحید بهبهانی بوده^۱ ، در سال ۱۲۲۲ وفات کرده او علاوه برداشتن اطلاع کامل در فنون عربیت و فقه و کلام و تفسیر و تصدی منصب قضا^۲ ، در کار وعظ و منبر هم ماهر و توانا بوده است و شرحی که بر دعای صباح نوشته تسلط او را در فنون ادبی و علوم اسلامی کاملاً آشکار میسازد^۳ .

پیش از دنبلی ، میرزا حسن زنوزی صاحب ریاض الجنه هم شرحی در خصوص میرزا تقی نوشته است و چون کتاب مذکور تا امروز بزیرور طبع آراسته نشده بهتر است که عین عبارت همان مؤلف را ذیلاً بیاورم تا میزان اطلاعات و معلومات وی بر خوانندگان نشریه کاملاً روشن گردد:

«المیرزا محمد تقی القاضی الحسنی التبریزی بن المیرزا محمد

القاضی ، عالم فاضل کامل مدقق ، دقیق الذهن ، جید الفهم ، له اطلاع

۱- چاپ نگارنده جلد ۱ ص ۱۸۷ ۲- متن فرمان قضای این شخص را که در سال ۱۱۸۳ از دربار کریم خان زند صادر گردیده در تجربه الاحرار جلد ۱ ص ۴۹۷ ملاحظه فرمائید ۳- این شرح از قرار اطلاع در کتابخانه حضرت حجة الاسلام آقای قاضی دام ظلّه محفوظ است .

کامل فی الفنون العربیّه و الفقه و الکلام و التفسیر ، متقلد فی تلک البلده ارثاً و استحقاقاً بأمر القضاء و هو من اعظم النجباء فی تلک الناحیه و اکبرهم ، بابه مرجع لكل و اری و صادر ، عظیم الحرمة عند الامراء و السلاطین و الاکابر و الاصاغر ، تشرفت بصحبته کثیراً ، وله رساله فی شرح دعاء الصباح لامیر المؤمنین (ع) و هو (یا من دلع) الدعاء ، توفي فی سنة اثنین و عشرين و مائین و الف فی بلدة تبریز و نقل الی العتبات ، وله ابن فاضل کامل و هو المیرزا محمد مهدی^۱ ، عالم فاضل کامل باذل ، ماهر فی اکثر الفنون ، فقیه ، نبیه ، و جیه مهندس ، متکلم ، اصولی ، طیب وله اطلاع فی العلوم العربیّه ایضاً و الان ساکن مع اخیه الفاضل کامل المقدس الورع المیرزا محمد رحیما فی مسقط رأسهما التبریز اطال الله بقاءهما هما انتهى^۲ .

(اینک متن استشهاد)

اما این سند تاریخی که در صدد انتشار آن هستیم متعلق است به کتابخانه خصوصی حضرت آقای حاجی میرزا الطغلی خان طباطبائی که از آبا و اجداد محترم، ارثاً بدیشان رسیده است معظم له نظر بمرحمتی که در حق بنده دارند اجازه فرمودند که همان سند را با الحاق مقدمه ای که ذهن قراء نشریه را نسبت بسابقه امر روشن سازد ، منتشر سازم تا علاوه بر خدمت به تاریخ ، متن این سند هم در جائی محفوظ بماند و هم فایده آن عام گردد اینک با تجدید مراتب تشکر متن استشهاد را ذیلاً میآوریم و توفیق ایشانرا در نشر این گونه آثار و اسناد تاریخی از صمیم دل خواهانیم.

۱- مدفون در مسجد مقبره تبریز و متوفی بسال ۱۲۴۱ ، اخبار این شخص را میتوانید در اعیان الشیعه جلد ۴۷ و تاریخ نادر میرزا بخوانید ۲- این مأخذ را حضرت حجة الاسلام آقای قاضی دامت برکاته نشان داده اند (نقل از روضه رابعه) .

« استشهاد و استخبار و استعمال می‌رود از سادات عظام و علمای اعلام و سایر اعزّه و اعیان و تمامی ابنا و معتبرین و کدخدایان و متوطنین ذوی‌الغز و الاحترام دارالسلطنه تبریز احسن‌الله تعالی احوالهم الی یوم القیام بر آنکه هر کس علم کامل و اطلاع شامل داشته باشد که مرحمت وغفران پناه حسن پادشاه ترکمان در دارالسلطنه تبریز بقعه رفیعہ و مسجد عالی و مدرسه بنا و نظر بآن مبلغ کلی موقوفات در دارالسلطنه مزبوره و نواحی و توابع، قرار داده که صرف اخراجات مسجد و مدرسه، شده و به سایر ارباب و وظایف و استحقاق عاید شود و تولیت موقوفات مزبوره را که موسوم به موقوفات نصیته است به اولاد دختری خود تفویض، و داعی دوام دولت قاهره (محمد تقی الحسنی) قاضی تبریز از اولاد دختری واقف مشارالیه و همیشه و از زمان سلاطین جنّت مکین صفوی خصوصاً پادشاه رضوان مکان شاه طهماسب، آبا و اجداد داعی، مرحمت پناهان میرزا محمد علی جدّ^۱ و میرزا صدرالدین محمد عم^۲ و عالیحضرت سلالة السادات العظام میرزا سید محمد^۳ والد داعی متولی موقوفات مزبوره بوده، هر ساله مداخل موقوفات را ضبط و به صیغه حق التولیه و غیرها، مبلغی عاید ایشان میشد که صرف معیشت خود می نمودند که موافق شرط واقف، جدّ ایشان، مدد معاش ایشان بود و تتمّه از قرار شرط واقف، معمول میشد.

از ایام پادشاه مرحوم سلطان نادر شاه طاب ثراه، موقوفات مزبوره به ضبط عمال و چیزی به داعی عاید نمیشود که صرف معیشت خود نماید،

۱- این شخص در استیلای عثمانیها به آذربایجان شهید گردیده است
 ۲- این شخص شرحی دارد بر خلاصه الحساب شیخ بهائی ۳- قبر این شخص در مسجد محله دمشقیه فعلاً موجود است.

دو کلمه شهادت خود را در این صفحه و حواشی قلمی و به مهر شریف خود مزین فرمایند تا بر ارباب اختیار و اقتدار ظاهر گردیده، لدى الحاجه، حجّت باشد که به مضمون بلاغت مشحون آیه وافی هدایه (ان الله لا یضیع اجر المحسنین^۱) عندالله ضایع نخواهد شد والسلام علی من اتبع الهدی .

هو بسم الله خیر الاسماء

بقعه رفیعه حسن پادشاهی واقعه در میدان صاحب آباد^۲ تبریز، الحال موجود و بجهت انقطاع وقفیات آن مندرس و موقوفات نصریه که عبارت از موقوفات حسن پادشاه است موافق شرط واقف، وقف بقعه رفیعه مذکوره و وظیفه ارباب استحقاق و تولیت شرعی موقوفات مذکوره به اولاد دختری حسن پادشاه و عالی جناب میرزا محمد تقی، مستشهد مشارالیه، از جمله اولاد دختری حسن پادشاه و تولیت موقوفات نصریه حسن پادشاهی از قدیم الایام، موافق شرع مطاع، حسب الارقام سلاطین جنّت مکین صفویه، با آبا و اجداد مشارالیه، و در ایام ثواب مرحمت و غفران مآب شاه طهماسب، تولیت شرعی موقوفات مذکوره با مرحوم میرزا محمد علی جدّ و میرزا صدرالدین محمد عمّم و میرزا سید محمد و الدمشارالیه، و هر ساله مبلغی به صیغه حق التولیه و غیره عاید ایشان میگردد که صرف معیشت خود مینمودند، الحال موقوفات مذکوره در ضبط عمال تبریز و دیناری عاید میرزا محمد تقی، مستشهد مشارالیه نمیکردد. حرّره الداعی لدوام الدولة القاهره، المتوکل علی الله الغنی، عبده، اسدالله الحسنی^۳.

۱- سوره ۹ آیه ۱۲۱ ۲- همان میدان صاحب الامر فعلی است

۳- این شخص که در ۱۱۸۳ وفات یافته قبرش در محله لاله بیگ (خیابان شاه فعلی روبروی دبیرستان دخترانه سهند) بوده که متأسفانه فعلاً اثری از آن موجود نیست.

بسم الله خير الاسماء

مرحوم حسن پادشاه، در ایام سلطنت خود، بقعه رفیعه و مسجد عالی و مدرسه در وسط معموره (تبریز) بنا گذاشته و مبلغ کلی، موقوفات بجهت اخراجات مسجد و بقعه مذکوره و وظیفه ارباب استحقاق، قرار داده و تولیت آنرا به اولاد دختری خود، تفویض نموده و عالیجناب، مستشهد مشارالیه از جمله اولاد دختری حسن پادشاه و تولیت موقوفات نصیه که عبارت از موقوفات مذکوره است، موافق شرع مطاع، حسب الارقام سلاطین جنت مکین صفویه از قدیم الایام با آبا و اجداد مشارالیه، و در ایام شاه طهماسب، تولیت شرعی با مرحوم میرزا محمد علی جد و میرزا صدرا، عم، و عالیحضرت سلالة السادات میرزا سید محمد، والد مشارالیه بوده و هر ساله، مبلغی بصیغه حق التولیه و غیرها عاید ایشان میگردد که صرف معیشت خود مینمودند و از ایام نادرشاه، موقوفات مذکوره، مقطوع، و الحال موقوفات مزبوره در ضبط عمال تبریز و دیناری عاید مستشهد مشارالیه نمیکرد، باقی اختیار با کلای دیوانیان عظام است. حرره الداعی، ابن شرف الدین محمد، عبدالنبی الشریف، العبد المذنب عبدالمطلب^۱.

(بسم الله خير الاسماء)

مرحمت و غفران پناه، امیر کبیر، ابوالنصر حسن پادشاه که از پادشاهان بلند مرتبه ایل جلیل آق قویونلو بوده، مدرسه و مسجدی در نهایت عظمت و متانت در وسط دارالسلطنه تبریز، صانها لله بلطفه العزیز،

۱- محمد بن شرف الدین شناخته نشد اما عبدالمطلب از خانواده ملاصدرا تبریزی است که فعلاً اعتقاد آن مرحوم در تبریز ساکن و نام خانوادگی آنان صدرا الفضائی است.

ساخته و موقوفات کلی ، به مسجد مزبور و ارباب استحقاق وقف نموده ،
 و تولیت آنرا به اولاد دخترى خود، واگذاشته و عالیجناب، قدسی القاب،
 میرزا محمد تقی زید فضلہ از اولاد دخترى حسن پادشاه است و تولیت
 موقوفات نصریّه، موافق شرع مطاع لازم الاتباع، حسب الاحکام سلاطین
 جنّت مکین صفویّه از قدیم الایام با اجداد کرام عالیجناب سابق الاقب
 معزی الیه بوده ، و در ایام شاه طهماسب، تولیت شرعی با مرحوم میرزا
 محمد علی جدّ و میرزا صدرالدین عمّ و عالی حضرت، سلالة السادات العظام،
 میرزا سید محمد زید مجده ، والد مستشهد مذکور بوده ، و هر ساله
 مبلغی بصیغه حق التولیه عاید ایشان میگردد که صرف معیشت خود
 مینموده اند و در ایام نادرشاه ، موقوفات مزبوره، ضبط، و الحال در تصرف
 عمّال تبریز است، لهذا مسجد مزبور مندرس و خراب و دیناری از حق التولیه
 عاید مستشهد معزی الیه نمیشود . حرّره الداعی لخلود الدولة القاهرة
 السلطانیّه، لاله الاالله الملك الحق المین، عبده ، فتاح الحسنی ۱۱۳۲ .

بسم الله خير الاسماء

بنحوی که استشهاد نموده اند بیان واقع و حسن پادشاه در تبریز
 بقعه رفیعه و مسجد عالی و مدرسه ای بنا گذاشته و مبلغ موقوفات بجهت
 اخراجات مسجد و بقعه مذکوره و حق التولیه و وظیفه ارباب استحقاق،
 تعیین نموده و به ثبوت رسیده که تولیت آنرا به اولاد دخترى خود
 واگذاشته و عالیجناب میرزا محمد تقی مستشهد مذکور از جمله اولاد
 دخترى حسن پادشاه و تولیت موقوفات نصریّه که عبارت از موقوفات

۱- صاحب این مهر حاجی میر عبدالفتاح از علمای مشهور تبریز و پدر
 حاجی میرزا یوسف آقای کبیر است که این شخص اخیر بسال ۱۲۴۲ هجری یعنی
 یکسال قبل از معاهده ترکمن چای از دنیا رحلت کرده است .

مذکوره حسن پادشاه است از قدیم الایام با آبا و اجداد مشارالیه و در ایام نواب مرحمت و غفران مآب ، شاه طهماسب ، تولیت شرعی با عالی حضرت سلالة السادات و النجباء العظام میرزا محمد عبدالوهابی والد مشارالیه بوده و هر ساله مبلغی از حق التولیه و غیره منتفع و عاید ایشان میگردد و صرف معیشت خود مینموده اند ، الحال موقوفات مذکوره در ضبط عمال و دیناری به میرزا محمد تقی مشارالیه و احدی عاید نمیگردد ، باقی اختیار با وکلای دیوانیان عظام خواهد بود . حرره الداعی ، بالله حسن ظنی ، المتوکل علی الله الغنی (عبد محمد علی الحسنی) .
(هو)

موقوفات حسن پادشاه واقعه در تبریز ، مشهور و معروف و منافع آنها سابقاً به مصارف اولاد دختری و غیرها علی حسب وقف مصروف ، و عالیجناب مستشهد مشارالیه در متن از اولاد دختری بودنش ، لائح و مکشوف و الحال موقوفات مزبوره در ضبط عمال تبریز بودنش ، واضح و در مصارف غیر ما وقف مصروف . حرره الداعی (یامن ارفع کل رفیع) ۱۱۷۶ .

بسم الله تعالی

مراتب مسطورہ بنحوی که استشهاد نموده اند بیان واقع و آثار حسن پادشاهی از مسجد و مدرسه و غیره تا حال در تبریز باقی و موجود و تولیت شرعی موقوفات مزبوره که موسومست به موقوفات نصیبه از قدیم الایام با آبا و اجداد و والد عالیجناب قدسی القاب مستشهد مشارالیه متن بوده که هر ساله مبلغی از موقوفات مذکوره ، عاید ایشان میگردد که مدارگذار ایشان بوده ، حال موقوفات مزبوره ، خراب و جزئی مداخلی که باقی مانده در ضبط دیوان و چیزی عاید عالیجناب مستشهد مشارالیه نمیشود ، باقی اختیار از وکلای دیوانیان عظام است . کمترین بندگان ،

وکیل مالیات و عمال تبریز . محل مهر (یا صادق الوعد) محل مهر (ابوطالب الحسینی) محل مهر (المذنب غلامحسین) محل مهر (هو العزیز الغفور) محل مهر (یا من ارفع کل رفیع) محل مهر (عبده محمد تقی) محل مهر (رب نجنی بمحمد و علی) .

بنحویکه استشهاد نموده اند ، بیان واقع و آثار حسن پادشاهی از مسجد و مدرسه و غیره در دارالسلطنه تبریز تا حال باقی و موجود و تولیت شرعی موقوفات حسن پادشاه از قدیم الایام با آبا و اجداد عالیجناب ، علامی فهامی ، میرزا محمد تقی مستشهد مشارالیه بوده و هر ساله مبلغی از موقوفات مذکوره عاید ایشان میگردد که معاش گذار ایشان بوده ، الحال موقوفات مذکوره ، خراب و مستغلات آنها به اعتبار خرابی ولایت ، خالی از سکنه و مداخل جزئی که باقی مانده ، در ضبط عمال و چیزی خالی از سکنه ، مستشهد مشارالیه نمیگردد (العبد الاقل کلانتر و کدخدایان دارالسلطنه تبریز) محل مهر (خاک قدم شاه ولایت ابوالحسن) محل مهر (امید شفاعت از محمد دارم - لقب حاجی بابا اسد نام) محل مهر (الله - محمد - علی) محل مهر (عبده محمد) محل مهر (افوض امری الی الله ، عبده آقا بابا) .

هو

اقل السادات ، علم و اطلاع دارد که عالیحضرت ، سلالة السادات والنجباء العظام ، میرزا محمد تقی ، مستشهد مشارالیه ، از جمله اولاد دختری حسن پادشاه و تولیت شرعی موقوفات حسن پادشاه مشهور به موقوفات نصریه ، از قرار شرط واقف با آبا و اجداد مشارالیه بوده و هر ساله مبلغی حق التولیه ، عاید ایشان میگردد ، صرف معیشت خود مینمود و تنقه صرف تعمیر مسجد و مدرسه حسن پادشاه و سایر ارباب

استحقاق میگردید ، الحال موقوفات مزبوره ، خراب و باعتبار خرابی ولایت ، مستغلات آنها خالی از سکنه و مداخل جزئی که باقی مانده باشد در ضبط عمال و چیزی عاید احدی نمیگردد ، باقی اختیار با وکلای دیوانیان عظام خواهد بود حرره الحقییر (عبده عبدالغفور الحسینی) .

موقوفات حسن پادشاه در تبریز ، مشهور و تولیت شرعی موقوفات مذکوره از قدیم الایام با آبا و اجداد و والد عالیجناب ، علامی ، فهامی ، میرزا محمد تقی مشارالیه بوده و هر ساله ، مبلغی عاید ایشان میشده ، الحال ، موقوفات مذکوره در ضبط عمال تبریز و به احدی چیزی عاید نمیگردد ، باقی اختیار با وکلای دیوانیان عظام خواهد بود . محل مهر (عبده محمد) محل مهر (دادلطف شاه دین مقصود زین العابدین) محل مهر (شافع بمحشر شافع خواجه محمد) محل مهر (افوض امری الی الله محمد هادی الحسینی) .

(هو الله تعالی شأنه العزیز)

بنحوی که عالیجناب ، مستشهد معزی الله ، استشهاد نموده ، تولیت موقوفات نصریّه با آبا و اجداد عالیجناب مشارالیه بوده و مبلغی عاید ایشان میشد و از ایام نادر شاه مقطوع و الحال چیزی از حق التولیه عاید عالیجناب مشارالیه نمیگردد و باقی امر از وکلای دیوانیان است . حرره الحقییر (افوض امری الی الله عبده محمد قاسم) .

(هو الله ، تعالی شأنه العزیز)

تولیت موقوفات مرحوم حسن پادشاه مشهور به موقوفات نصریّه با آبا و اجداد عالیحضرت ، رفیع منزلت ، مستشهد مشارالیه بوده ، که هر ساله مبلغی از موقوفات مزبوره عاید ایشان میشده که مدد معاش ایشان بوده ، باقی امر از وکلای دیوانیان است . حرره الحقییر (عبده موسی) .

(هوالله ، تعالی شأنه العزیز)

مراتب مذکوره متن ، بیان واقع و تولیت شرعی موقوفات نصریته از قدیم الایام با آبا و اجداد و والد عالیجناب ، سلالة السادات والنجباء العظام ، علامی میرزا محمد تقی عبدالوهابی ، مستشهد مشارالیه بوده و هر ساله مبلغی عاید ایشان میگردد که صرف معیشت خود مینموده اند ، الحال ، موقوفات مذکوره خراب و به اعتبار خرابی ولایت ، مستغلات آنها خالی از سکنه و مداخل جزئی که باقی مانده ، در ضبط دیوانیان و چیزی عاید مستشهد مشارالیه نمیگردد ، باقی اختیار با وکلای دیوانیان عظام است محل مهر (یا من ارفع کل رفیع) ۱۱۱۶ .

استشهاد مرحوم علین رتبت میرزا محمد تقی قاضی قدس سره که جهت راقم این سطور جدّ رابع محسوب میشود بدون تصرف در این اوراق بنظر خوانندگان رسید متأسفانه تاریخ این استشهاد در متن قید نگردیده اما به احتمالی قریب به یقین میتوان اظهار نظر کرد که تنظیم و تحریر این استعلام و شهادت شهود مسلماً بعد از قتل نادر و شروع ضعف در سلطنت افشاریه و در زمان اقتدار خاندان زند صورت گرفته و از لحن ادای شهادت شهود این معنی کاملاً آشکار است و حاجتی به اقامه دلیلی نیست و نیز باید اضافه کرد که هویت صاحبان مهر را که مسلماً از اعیان و معاریف عصر خود بودند نتوانستیم کاملاً بدست آوریم بعضی ها را که می شناختم در حاشیه معرفی کردم اما بقیه را نظر بر اینکه نام آنان در کتب تراجم قرون اخیر قید نشده نتوانستیم معرفی کنم ، توفیق باین عمل در گرو زمان است و سعی و کوشش مداوم و مراجعه به کتب رجالی در قرون اخیر ان شاء الله تعالی .